



RahaiZan.Org
 سازمان رهایی زن
 The Organization for Emancipation of Women

ویژه نامه :
 3rd Series, Issue 95
 سری سوم، ویژه نامه ۹۵
 Jun 2021
 خرداد ۱۴۰۰

سردبیر: مینو همتی
 Editor-in-chief: Mino Hemati
 Email: minohemati@gmail.com

مدیر مسئول: شراره رضایی
 Managing editor: Sharareh Rezaei
 Email: shararehrezaei.p@gmail.com

روز معلم، روز کارگر، روز پیوند اقتدار و حمکاش

مصاحبه ی سازمان رهایی زن با فرخنده آشنا، آقای میثم آل مهدی از فعالین کارگری، آقای مهدی توپچی از فعالین کارگری و خیزش دیمه و آقای رسول بداقی از فعالین تشکلات معلمان



فرخنده آشنا
 میثم آل مهدی
 رسول بداقی
 مهدی توپچی

Emancipation of Women
 MinoHemati@GMail.com

رهایی زن
 مینو همتی

به نشریه رهایی زن ببینید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی از زندگی زنان (خودتان) و کودکان..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل زیر ارسال کنید.

Markazi@RahaiZan.org

shararehrezaei.p@googlemail.com

<https://youtu.be/QRji38NRrKQ>

بمناسبت فرا رسیدن روز جهانی کارگر و همچنین روز معلم، میزگردی با شرکت چهار مهمان گرامی داریم. خانم فرخنده آشنا، آقای میثم آل مهدی از فعالین کارگری، آقای مهدی تویچی از فعالین کارگری و خیزش دیماه و آقای رسول بدایق از فعالین تشکلات معلمان با سپاس از اینکه دعوت ما را پذیرفتید و در برنامه رهائی زن کانال یک شرکت کردید.

در این برنامه سعی خواهیم کرد از ذکر مصیبت‌های وارده در این چهل سال حکومت اسلامی و مصیبت مضاعف کرونا در یکسال اخیر عبور کنیم و به راه کارها، کم و کاستی های مبارزه مشترک تمامی اقشار و طبقات زحمتکش بپردازیم.

به برنامه تلویزیونی رهائی زن خوش آمدید با آقای رسول بدایق از فعالین جنبش معلمان از ایران شروع میکنیم و به ترتیب هر یک از عزیزان نظرات را خود را ارائه میدهند.

مینو همتی: بینندگان ما بطور قطع خود در گرفتاری در وضعیت فلاکت بار اقتصادی و فشارهای اجتماعی با معلمان شریک هستند، در صورت امکان از مطالبات مشخص و فوری جنبش معلمان اطلاع رسانی کنید و اینکه چگونه میتوانند در کنار معلمان عزیز از این مطالبات بحق دفاع کنند؟

رسول بدایق: عرض ادب و احترام دارم خدمت میهمانان ارجمند شما و خود شما و همکارانتان.

سپاسگزارم از اینکه فرصتی به ما دادید که حرفمان را بزنیم، عرض شود حضور شما، جنبش فرهنگیان با جنبش‌های دیگه هیچ تفاوتی ندارد، خوب هر قشری از جامعه تخصصش در آن شاخه ای بیشتر است که خودش وارد است، اما این جنبش‌ها در کنار هم هستند که قدرتی پیدا میکنند و میتوانند بر این حاکمانی که تبدیل به یک هیولا شدن برای مردم و اینکه وادارشون کنند به عقب نشینی که تن بدهند به خواسته های مردم. مطالبات فوری معلمان، همه مطالبات این مردم همه خیلی فوری هستند و انباشته شده هستند و در طول ۴۰ و چند سال بر اثر ظلم، فراموش شده هستند. دست روی هر بخشی از این جامعه بذارید، سراسر درد و رنج و مصیبت و بدبختیه، ما در حوزه حقوق اجتماعی و حقوق دانش آموزش مشکلات عمده ای داریم، یکی ما خواهان آموزش و پرورش رایگان هستیم، کلا چه در آموزش و پرورش و چه در دانشگاه، و طبق اصل ۳۰ قانون اساسی

حاکمان موظف هستند که آموزش باید کلا رایگان باشه، و ما چیزی بنام آموزش پولی نداریم، در زمان رفسنجانی متاسفانه اینها آمدند و اصل ۳۰ قانون اساسی را نادیده گرفتند. قانون اساسی یک موضوعی است که میثاق بین حاکمیت و مردم است، یعنی حاکمانی که میرن سر کار، موظف به اجرای آن قوانین هستند. مردم بخاطر اجرای این قوانین به آنها رای دادن و برن سر کار و حکومت را در دست میگیرند و باید مجری آن باشند، اما خودشون تبدیل به یک حکومت مافیایی شدند، یعنی الان حاکمان جمهوری اسلامی یک مافیا هستند، نه یک مجری قانون. قانون را به راحتی مثل یاغیها دور میزنند. در قانون اساسی فصلی داریم بنام حقوق ملت، از اصل ۱۵ گرفته تا اصل ۴۲، حاکمان تک به تک این قوانین را زیر پا میگذارند. این یعنی حاکمیت مشروعیت نداره از نظر مردم، چرا؟ چون قانون را زیر پا میگذارند، اصل ۱۵، اصل ۱۹، اصل ۲۶، اصل ۲۷، اصل ۲۹، اصل ۳۰، اصل ۳۳، اصل ۳۸، تماما و عملا گام به گام آنها را نابود میکنند، طبق اصل ۳۸ قانون اساسی شکنجه ممنوعه، ولی هیچ زندانی نیست که شکنجه نشده. چه در نیروی انتظامی بنام بزهدار و خلافکار گرفته، اینها را آویزان میکنند و چه در بخش زندانیان سیاسی که شکنجه سفید. این یکی از خواسته های معلمان است، اول اجرای قانون.

دوم آزاد بودن رسانه ها.

سوم استاندارد سازی مدارس، کیفیت بالای مدارس.

الان خطی که آموزش و پرورش در طی این ۴۲ سال در پیش گرفته برای آموزش کودکان دادند به زور مسائل مذهبی مورد علاقه یک نفر رو توی مغز اینها فرو می کنند. اینها خلاف میثاقها و قوانین بین المللی و قوانین داخلی خود جمهوری اسلامی هم هست. خب اینم از خواسته های معلمین است. هب دانش آموزشی که میاد و میشینه توی کلاس، اون آگه روانش خراب باشه، اون کلاس را بهم میریزه. کلاس یک مسئله خیلی حساسی هست، بحث فکریه، کافیه در یک کلاس، یک دانش آموز روانش آشفته باشه، به علت مشکلات خانوادگی، به علت مدرسه، یا به هر دلیلی، اون کلاس را به هم میریزه. مدارس ما مدرسه نیستند، تراکم ۴۰ دانش آموز در یک کلاس، و این یک معلم سالم نمیتونه غروب بیاد خونه، آدم سالمی باشه. من خودم زمانی میرفتم مدرسه، بر میگشتم خونه دستام میلرزید، از پس که حرص خورده بودم، خب دانش آموزم مقصر نیست، ۴۰ تا آدم توی یک

کلاسند، اینها را هم باید ساکت کنی، هم درس بدی، هم ازشون بپرسی، هم باهاشون گفتگوی دوستانه و هم ارتباط عاطفی با دانش آموز داشته باشی، از دردش خبر داشته باشی. که بدونه درکش میکنی و درک متقابل. خب تا معیشت معلمان گرفته، همه اینها خواسته های فوری، تا تشکل یابی معلمان، طبق اصل ۲۶ قانون اساسی حق تشکل یابی باید آزاد باشه. اینها تشکل‌ها را زندانی میکنند. ما یادموه فرانسه، ۱۱ میلیارد دلار ضرر زدن به دولت فرانسه، یک نفر بازداشت نشد. ۱۰ روز هم به یکی زندانی ندادن. اما اینها بحث توحشه، اصلا ما با یک حکومت وحشی سروکار داریم، که دیوانه وار اداره حکومت میکنه. این طرز حکومت کردن نیست، در آموزش و پرورش به یکی ۶ سال بهش زندان بدی، خب این توحشه دیگه. آزادی زندانیان سیاسی و کارگری هم از دیگر خواسته های معلمان است. اینها چیزهایی بوده که ما تاکنون خواسته ایم.

مینو همتی: جنبش کارگری پس از چهل سال مبارزه پر فراز و نشیب در چه موقعیتی قرار دارد؟

میثم آل مهدی: من سلام میکنم خدمت شما و همکارانتان و مهمانان عزیز و بینندگان و شنوندگان عزیز.

جنبش کارگری شما می‌گوید در ۴۲ سال گذشته، اما برای جنبش کارگری ۴۲ سال نیست، برای جنبش کارگری در رژیم قبلی هم مثل امروز کارگر استعمار و فقر و فلاکت کشیده شده بود، به همین منوالی که الان وجود دارد، اما جنبش کارگری در چند دهه اخیر با نگاهی که بنده داریم به اتفاقات چند سال گذشته، دیگه جنبش کارگری با یک اعتماد به نفس قوی به خیابان میاد، حتی آگه شده با تعدادی کم به خیابان میاد و به شکل اعتراضی، اعتصاب میکنه، در حالیکه بعد از سرکوبهلی دهه ۶۰ کم کم اون اعتماد به نفس داشت ازشون دور می‌شد، که خوشبختانه با اتفاقات و اعتراضات اخیر و با آگاهی طبقاتی که وجود داره، این جنبش توانست به شکل قدرتی دو باره بیاد و توی خیابون باشه، اما یک سری مسائلی درون جنبش کارگری هست و تمام جنبشهایی که امروز به شکل جنبش‌های اعتراضی در خیابان‌ها هستند و اون خلا وجود سازماندهی در درون تمام این اعتراضات هست. ما آگه نگاهی به اعتراضات اخیر بنده داریم، حتی آگه جنبش بازنشستگان را نگاهی بکنیم، از نگاه من این یک جنبش طبقاتی است، حالا این جنبش بازنشستگان چطور یک جنبش طبقاتی است، خودش یک بحث بسیار بلندی است که می‌توان یک وقت دیگه بهش پرداخت.

این جنبش، یک جنبشیه که در چند ماه گذشته که فراگیر و با سرعت بسیار زیادی توی خیلی از شهرها درگیر شدن و توی خیابون بودن که فکر میکنم یکی از عوامل مهمی که موجب شد که این جنبش به مطالبه دستمزدی خود زود برسه، این پتانسیلی است که اینجا وجود داره، پس وقتی جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام حاکم خوب شناخت که این جنبش چطور توانست فراگیر بشه و با سرعت زیادی منتشر بشه، خطر رو بیشتر احساس کرده، که اومد مطالبات دستمزدی آنها را به صورت سریع پرداخت. این پتانسیلها، پتانسیل طبقاتی و پتانسیل جنبش ماست. مسائل دیگه ای که هست، مسائلی که میخوایم در مورد جنبش کارگری صحبت کنیم، واقعا در حد ۵ دقیقه و چند دقیقه، حوادث زیادی داشته، فراز و نشیبهای زیادی داشته، قاعدتا یک جنبش در داخل خیابان، یک چنین ضعف هایی دارد، و یک سری قدرت هایی داشته که فکر میکنم که ما اگه حتی یک نگاهی ببیندازیم، کلا این جنبش کارگری تونست این دهه اخیر اون تابوی اعتراض آمدن به خیابان را کم کم بشکونه و وارد خیابون بشه و بعد از آن حوادث آبان و دی میفته که قبل از آن ما می دیدیم که جنبش کارگری در اراک، این جنبشها چطور می توانند پیوند بخورند، این توی بحث سازماندهی است، مطمئنا وقتی من صحبت از سازماندهی طبقه خودم را میگم، میکنم، سازماندهی طبقه فرودست و طبقه خودم را می گویم و برای من مهمه که چطور تشکیلاتی ایجاد بشه و بی شک خیلی از فعالین پیشرو کارگری امروز دغدغه شون که چطور این پیوندها را ایجاد کرد و سازماندهی کرد و به شکل تھی و به شکل پراکتیک بتوان این نظریات و این تاکتیکها را اعمال کرد. و بی شک یکی از دغدغه های تمام فعالین کارگری است که ما خیلی از مسائلی که در درون جنبش گاهی به حدی زیاده که گاهی به فراموشی و به حاشیه می رود. بحث رسانه ای در درون جنبش کارگری بسیار مهمه، امروز ما رسانه جنبشی نداریم، که پرچمدار جنبش باشه، و متاسفانه قدرت همیشه در دست سرمایه داری بوده نسبت به من کارگر، و همیشه توانسته سوق بده به اخبار با انحرافات زیادی در مطالبات کارگری انجام بده، بی شک این جنبش در سه چهار سال گذشته، ضرورت ایجاد تشکل پایه گذاشت، اعتراضات فولاد و هفت تپه، که این هویت این اعتراضه. ما امروز میان فعالین کارگری که نشون میده که جنبش کارگری قبل از اعتراضات فولاد و هفت تپه و بعد از اعتراضات آنها، چرا؟ این اعتراضات هویت گرفت. بحث تشکیلات و شوراها بوجود

آمد. پس کارگران پیشروی این دو شرکت باید بدانند که پرچمدار این مبحث هستند و این مبحث بین تمام فعالین کارگری چه چپ حرفه ای و چه کمونیست حرفه ای، امروز باید بحث تشکلات و سازماندهی، یک بحث بسیار مهم باشه، که برای طبقه ما مثل نون شبه مهمه، چرا؟ چون ما مبارزه می کنیم که زنده بمانیم و ادامه بدیم. بحث سازماندهی برای ما بحث مهمی ه و امید هست که در آینده این پراکندگی در اعتراضات ایران بنییم، بلکه یک نیروی منسجم که با یک پرچم سیاسی واحد و واضح به سمت اعتراضات منظم تر در آینده برویم، امیدواریم که این اتفاق بیفته.

مینو همتی: بر میگردم به آقای مهدی توپچی، شما اگر صحبتی دارید در مورد بحث میثم در مورد جنبش کارگری پس از چهل سال مبارزه پر فراز و نشیب در چه موقعیتی قرار دارد؟

مهدی توپچی: با سلام خدمت شما و سایر شرکت کنندگان و دوست عزیزم جناب بدقی که سالهاست از آخرین دیدارمون میگذره سلام میکنم. به گمان من برای بررسی موقعیت امروز جنبش کارگری ایران باید قدری با در نظر گرفتن اشاره درست میثم در مورد ستمی که شامل حال جنبش کارگری در هر دو نظام شده، اما باید قدری عقب رفت و این پروسه و فرایند تاریخی که جنبش اجتماعی ایران و در راستشون میشه جنبش کارگری پیگیری کرده و به اینجا رسیده که بخشا میثم هم بهش اشاره کرد که بتوانیم به تشکیل این هویت برسیم. ببینید دهه ۶۰ و ۷۰ ایران تا حدودی دهه سیاه و سرکوب و شکنجه و اعدام بود و اساسا اون نیروی مادی اصلی هر جنبش کارگری که نیروهای چپو برابری طلب و آزادیخواه هستند تحت اعدام و شکنجه های طولانی مدت بودن و هیچ عرض اندامی هم نداشتند توی جامعه وضعیت جنگی ۸ ساله و در ادامه ش اون دوره سازندگی همراه با سرکوب و تحمیق طبقات فرودست و کارگران در مراکز تولید بود، آنچنان فضای مناسب برای عرض اندام وجود نداشت، و امیدی آنچنان هم در جامعه دیده نمیشد، از اواخر دهه ۷۰ و بویژه بعد از ۱۸ تیر و وضعیتی که دولت اصلاحات اومد و با فشاری که توده ها به سیستم آوردند و توانستند یک فضای تنفسی را برای خودشون باز کنند، یواش یواش یه سری از فعالین ما که از اون سرکوبهای دهه ۶۰ و از اون اعدامهای دهه ۶۰ و ۷۰ توانسته بودند جان سالم بدر ببرند، در قالب فعالین کارگری و فعالین مراکز کار توانستند ظهور کنند و میراثی که جنبش چپ از دهه های قبل

سعی در حفظ و پیشبرد اون داشت به نسل امروز انتقال بدهند و میتونیم این برهه را مقطعی برای شروع مجدد فعالیتهای کارگری و نوعی صف بندی در مقابل وضعیت موجود در تعرض سیستم در نظر گرفت. با پایان دولت اصلاحات و از سال ۸۴ با روی کار آمدن احمدی نژاد و با شروع سیاستهای تعدیل اقتصادی و خصوصی سازی که ذیل صندوق بین المللی پول و پلنقرمهایی که آنها ارائه داده بودند تا شکل بگیره، یواش یواش صف بندیها، از جمله شکارگری فراتر رفت و در سطح اجتماع و همینطور در سطح جنبش دانشجویی اتفاق افتاد، در کنارش دانشجویان آزادیخواه را داشتیم و همزمان شکل گیری تشکل های کارگری را داشتیم، در محیطهای کار یا در محافل کارگری که اینهم باز تحت تاثیر حضور، میتونم بگم حزب کمونیست و حزب کمونیست کارگری که بحث های جدیدی را وارد جنبش کارگری کردند، سر سبک کار و سر انواع جنبش کارگری و صورت بندی اصل پراکتیکهای اینها و سر انواع سازماندهی جنبش کارگری و این یک شفافیت و یک تمرکز مشخصی چه در میدان عمل و چه در سطح تئوری و تحلیل، فعالین چپ و به خصوص فعالین کارگری و تشکل های زیادی، از جمله اتحادیه آزاد، از جمله کمیته پیگیری، کمیته هماهنگی شروع به شکل گیری کردند، تو صف بیکاران سازماندهی های زیادی شد، سندیکاهایی دوباره شروع به بازگشایی کردند، از جمله سندیکای شرکت واحد و سندیکای صنعت نیشکر هفت تپه، فلزکاری و مکانیک کارگران کرمانشاه، در کنار این باز تشکل های در سطح معلمان، گرچه اون موقع گرایشهای اصلاح طلبانه بود، و سازوکارهای بروکراتیک که فرهنگیان و معلمان دارند، نفوذی که آنها در دولت دارند، قانون دستشون بود، مجلس قانونگذاری دستشون بود، نفوذشان بیشتر بود، از اواخر دهه ۸۰ و بعد از جنبش سبز و به کنار رفتن جنبش اصلاحات و سرخوردگی که از جامعه هم دیده شد و یواش یواش کشمکش هایی که در جامعه شکل گرفت، و گرایشی که به سمت فعالیت عینی و انضمامی و پراکتیکی در جامعه، که پرچمدار شون جنبش کارگری و فعالین شب بود، دیدیم که بسیاری از فعالین که شدن فعالین جنبش سبز و بعدها شدن جنبش چپ و فعالین کارگری. بعد از روی کار آمدن دولت روحانی و با اتخاذ سیاستهای افسار گسیخته همان ادامه سیاستهای اقتصادی دوره احمدی نژاد، با روی کار آمدن نئو لیبرالها در ایران و همینطور شدت گرفتن مقررات زدایی از قوانین در

مراکز کار و همینطور دلایل میدانی زیادی که سعی در تعرض در طبقه کارگر داشت، چون جنبش کارگری را وارد یک موقعیت جدید و نوینی کرد که در مفصل بندی با جنبش‌های دیگر اجتماع، از جمله جنبش معلمان و در حال حاضر جنبش بازنشستگان توانست یک پوست اندازه جدیدی و یک دوران جدیدی را برای جنبش کارگری ورق بزنه که تقسیم بندی خوبی را کرد. الان وقتی جنبش کارگری و دبیر فعالین سیاسی و حتی مردم و توده کارگران شکل بگیره. سرنوشت جنبش را به بعد از هفت تپه و فولاد و اعتراضاتش و بعدش تقسیم بندی میکنند، چرا اینطور تقسیم میشه؟ من اینو تاثیر سراسری این اعتراضات رودر خیزش سراسری آبان و در ادامه جلسه بازتر خواهم کرد، همانطور که باز میثم اشاره کرد، اون آلترناتیوی که جامعه دنبالشه و اون سرخوردگی که از طرف حکومت و از جانب دولت و نیروهایی که در قالب اصلاح طلب و اصولگرا و عدالت خواهان حکومتی سرکوب می‌شد و سرخوردگی که از طرف اینها شکل گرفت، باور پذیری جمعی شد و این تجربه تاریخی که بهش اشاره کردم باعث شد که سراغ تمرکز بیشتری برن و فوکوس کنند در مراکز تولید و در قدرت جمعی خودشون، دنبال انواع صورتهای و آلترناتیوهای سازماندهی بگردند. چون طی همین پروسه در این تشکلهایی که بهشون اشاره کردم در دهه ۸۰ گرفتن، همینها در اثر سبک کار و نوع رویکرد شون جنبش کارگری و مشکلات عینی و انضمامی کارگران به لحاظ پراکتیکی به بن بست هایی خورده بودند، این تجربیات در جنبش کارگری یعنی کارگران با اتحادشون، با مفصل بندی مشخص با انضمام موجودی ایشان در مراکز کاری و مراکز زیستی و زندگی خودشون، تونستن با پلتفرم های جدیدی از جمله آلترناتیو جنبش شورایی دست پیدا کنند که هدف هایی رو که میخواستند پیگیری کنند در کوتاه مدت و در دراز مدت به نوعی سبک کار رو تامین می‌کرد که دخالت گری مستقیم کارگران را در فرایند فعالیت کارگری و مطالباتی و معیشتی شان و سرنوشتشان در محیط کار و حتی در اداره کار که دیدیم که مانیفست اش در فولاد و هفت تپه بیان شد و جامعه عمل پوشید که رسیدیم به این موقعیت فعلی که جنبش کارگری فراتر از جنبش خودش تونسته یک جنبش و مبارزه طبقاتی رو تقسیم بندی کنه که نسخه اول و سرمشق جنبشهای دیگه ای هم هست. امروز وقتی ما سراسری بودن مطالبات بازنشستگان یا اعتراضات شان را مطرح میکنند این باز برمیکرده ریشه در تمرکز بر سازماندهی و تمرکز در مفصل بندی در نقاط مختلف جغرافیایی جامعه امروز که بتونند با بدست

آوردن او اتحاد طبقاتی و این اتحاد مطالبه محور رو به جلو در پیشانی یک جنبش طبقاتی و مترقی و ترقی خواه جنبش سراسری قرار بگیره.

مینو همتی: موانع مشارکت تمام عیار زنان در جنبش کارگری دوشادوش باهم طبقه ای هایشان را چگونه ارزیابی می کنید و برای رفع این موانع چه پیشنهاداتی دارید؟

فرخنده آشنا: سلام دارم خدمت دوستان عزیز و همچنین بینندگان گرامی.

انگار این شده یه برنامه که ما در ۱۱ اردیبهشت دقیق است که بپردازیم به نیمی از جامعه ایران بویژه مسائل زنان. همانطور که دوستان گفتن، دغدغه، دغدغه سازماندهی هستش، بهر حال از این پراکندگی نجات پیدا کنیم، میدانید که توی ایران در یک سال گذشته نزدیک دو هزار اعتراض سازماندهی شده، یعنی به جورایی قتمهای خوبی برداشته شده، چون توی مناطق و شهرستانها و توی رشته های کاری داره یه سازماندهی هایی انجام میشه و یه اعتراضاتی صورت گرفته، منتهی به یک مقدار من فکر میکنم نقش زنان در اعتراضات یه مسئله مهمیه، اونطور که ما ببینیم که اعتراضها دیده نمی شوند، البته که خوب هستند که توی اعتراضات جلوی صف هستند همه جا، ولی صداشون رو و مطالبات ویژه شون رو ما توی این اعتراضات نمیبینیم، مسائل اینطوری هستش که وقتی شما مثلا در مورد کارخانه هفت تپه حرف میزنیم تا مدتها که این اعتراضات بود، کسی نمیدونست توی کارخونه هفت تپه زنان هستند که کار میکنند و حتی سر سندیکای شرکت واحد، وقتی اعتصاب میکنه، این زنان و خانواده ها هستند که میرن جلوی اتوبوسها میایستند و اجازه نمیدن که بسیجیها و پاسدارها اعتصاب شکنی بکنند و اتوبوسها را راه بیندازد، مسئله ای که هست توی این تشکلهایی که تا بحال بوده، من اونطور ندیدم که جا را باز کنند برای زنان و به عنوان نیمی از جامعه این حق را بهشون بدن که خودشون کار نمیکند و جامعه آنها را به عنوان یک جامعه کار مستقل آنها رو به حساب نیاره و دیده نمیشن و این همسرانشان هستند که بایدتامین زندگیشون را بکنند و کار زنان از بچه داری و همه اینها مفت و مجانی میره توی جیب این سرمایه داران، پس آنها حق دارند بیان توی این تشکلهای و مبارزه کنند، چرا که این زنان توی خونه هستند، منفرد هستند، ایزوله شون کردند و اینها بخشی از همین طبقه هستند که باید بتوانند همسرانشون یا هر یک از اقوامشون، یا هر کسی که تشکل

میزنه باید بتونه این زنان را از خونه بکشه بیرون و بتونند توی این سازماندهی نقش داشته باشند، توی مبارزه و طرح مطالبات برحق خودشون نقش داشته باشند، بهر حال الان یه شرایط ویژه ای هستش، میدونی این مسئله کرونا خیلی آسیب زده به جامعه، بخش زیادی از پرستاری از این بیماران به عهده زنان هستش توی بیمارستان و اون تقسیم کاری که آنها کردن و چه توی خونه با اون تقسیم کار نادرستی که شده و من فکر میکنم توی این مبارزات ما باید پوئن هایی بدیم، یک شرایط ویژه ای را فراهم کنیم برای زنان که هم دیده شوند و هم مطالباتشان مطرح شود، ما نباید بگذاریم نیمی از نیروی طبقه کارگر و مطالباتشان در خانه به محاصره در بیایند، آنها نیروهای ما هستند، زن‌ها هم مثل مردها میخوایم این جامعه تغییر اساسی بکند، بخصوص در رابطه با حق زن، به نظرم در آینده هر تغییری که در جامعه بخواد صورت بگیرد یکی از مهمترین مسئله اش که باید سرلوحه تغییر باشه، مسئله برابری زن و مرده، و زنان از نظر یک نیروی اجتماعی از نظر اقتصادی بتوانند به صورت مستقل باشند، بخصوص توی این شرایط کرونا و این بمانشون داد که چرا ما این همه باید بر سر بیمه بیکاری و بهداشت رایگان حرف بزنیم.

ببینید اینها چون ما رو و زندگی ما رو به گروگان گرفتن، خودشون دائم به ثروتشان اضافه میکنند و ما داریم عزیزانمان را به گور میسپاریم. بخاطر همین مسئله و اکسن شما ببینید چگونه برخورد میکنند.

من اینجا هر چقدر دنبالش رفتم که ببینم این مسئله خصوصی بودن و فروشی بودن و اکسن چیه؟ هیچ کس حتی این شرکت‌های که خودشون و اکسن تولید کردن به بخش خصوصی و اکسن نفروختن و همشون قراردادشان با دولت‌ها بوده، بهر حال همین و اکسنی که توی ایران میگن بخش خصوصی میتونه وارد کنه و بهش ارز میدهیم و از این مسائل، در واقع خود دولت اینها را وارد کرده و حالا می‌خواهد سر چون مردم هم معامله کند. خب از اونجا که مردم هیچ حق و حقوقی ندارند، خب طبیعتا کسانی که پول آنچنان ندارند، خب نمی‌توانند و اکسن بزنند و این فاجعه ای است که بیار آمده، توی خیلی از کشورها دارند به شرایطی می‌رسند که دیگه ماسک استفاده نکنند، ولی چرا ایران یه همچین وضعیتی دارد؟

دقیقا همان مواردی که دوستان اشاره کردن، مسئله سازماندهی طبقه کارگر و دیدن نیمی از طبقه کارگر که زنان هستند.

مینو همتی: شنیده ایم که فراخوان اعتصاب داده اید، بینندگان ما مایلند بدانند، چرا اعتصاب و در چه ابعادی، سراپا گوشتیم بفرمایید.

رسول بدایی: در ادامه یک جمله ای را عرض کنم خدمت جناب آل مهدی، که سازماندهی یک مسئله خیلی خیلی جدیست و همچنین داشتن صندوق مالی و ما معلمها پیروزی هایی که داشتیم باز کردن صندوق مالی بود، که بسیار ضروری آیت، ما الان ماهانه نزدیک به ده میلیون تومان معلمها کمک میکنند و شورای هماهنگی این پول را خرج خود شورای هماهنگی میکنه، خرج اعضایش میکنه، اعضایی که بازداشت میشن، نیاز به وکیل دارند. کسانی که اخراج میشن و زندانی میشن حقوقی نمیگیرند و اینها کمک نیاز دارند. و این جزو ضروری ترین تشکل هاست.

کانالهای صنفی همیشه و همیشه بی طرف بودند. شعارهای سال ۸۳ ما جلوی مجلس فقط میگفتیم (نه چپیم، نه راستیم، فقط معلم هستیم).

خب حالا اصلاح طلبهای امروزه میگن ما چپیم، در حالیکه این به نام جعلیه. اینها نه تنها چپ نبودند، بلکه راست تر از هر راستی بودند. ما هیچوقت نه تابع اصولگراها بودیم و نه اصلاح طلبها. به هیچ عنوان. خب این یک سوءتفاهم است و خواستم این را بگویم.

حالا در باره صحبتهای خانم آشنا باید بگویم که ببینید در جوامع دیکتاتوری، به ویژه جمهوری اسلامی من تاکید میکنم، بدتر از همه دنیا، جمهوری اسلامی به نوعی قانون توحش حاکمه. دیکتاتورها معمولا به توحش باور دارند، چرا؟ چون ضعیف کش هستند. در جوامع دیکتاتوری بیشتر باتوم و سرنیزه و نیزه و زنجیر و زندان و موشک و تفنگ حرف اول رو میزنه. مشروعیت خودش رو دیکتاتور از اینها میگیره و این رو خوب میفهمه برای حفظ خودش، چون لیاقت نداره و برای مشروعیت خودش زور بکار میره. اولین قربانیان دیکتاتوری یک فرهنگ است، چون قدرتی نداره، فرهنگ به شعره، دانشه، هیچ قدرتی نداره، قدرت قهریه نداره.

دومین قربانی هنر است، خب هنره. سومین زنان هستند، خب زنان مثل مردان قدرت فیزیکی ندارند، شرایطی که در جوامع سنتی ما برقرار است، مثل جملات توهم آمیزی مثل؛ ناموس و.. باز زن را برده به کنجی و خانه نشین کرده و این رو هم باید به تمام مشکلات زنان اضافه کرد. از دید بنده بعنوان یک معلم اولین معلم فرزندان، خانمها، مادرها هستند من یک نظریه پیش خودم دادم، مادرها بجای سربازی پسرها باید بروند آموزش علوم تربیتی و روانشناسی

بخوانند. تمام تربیتها که از آغاز خلقت داشتیم، فقط و فقط بر یک محور و آن هم آموزه هایی بوده که مادران ما بدون علم به دخترانشان دادند، اصلا علمی نیست و فقط سنتیه.

ببینید مادران اول باید بروند آموزش علوم تربیتی و روانشناسی را ببینند و بعد بچه دار شوند و آنها را تربیت کنند.

در مورد فراخوان، من عرابضی رو که دارم نظر خودمه و نه سخنگوی شورای هماهنگی هستم و من فقط یه عضوی از یک تشکل هستم. ما ۲۲ تشکل در کشور هستیم، یعنی تشکل صنفی معلمان.

تشکل معلمان قزوین، تهران، اسلام شهر، کردستان، اصفهان. خب اینها به عنوان شروع در اعتراض به ده سال دیگه بر زندان آقای عبدی یک بیانیه صادر کردیم و خواهان آزادی آقای عبدی شده، بیانیه دوم ما در راه است و امیدوارم که به زودی صادر بشه و قطعا در استقبال ۱۲ اردیبهشت، روز شهادت دکتر خانعلی و روز معلم و روز حمایت از معلمان زندانی آقای عبدی و رمضانزاده، ما بیانیه ای صادر خواهیم کرد.

مینو همتی: آنچه مسلم است در این چهل سال، فعالیت مدافعان طبقه کارگر در خارج از کشور بهیچوجه قادر به کسب حمایت لازم از جنبش کارگری و فعالین آن در داخل کشور نبوده است منظورم بطور مثال از نوع سازماندهی "کنگره ملی آفریقا" در جلب حمایت عملی و بین المللی اتحادیه های کارگران بارانداز در به زانو درآوردن رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی است، بنظر شما این کمبود از چه ناشی میشود و انتظارات واقعی از فعالیت خارج از کشور در این زمینه کدامست؟

میثم آل مهدی: من با این شروع میکنم، ما باید تعریف کنیم که طبقه و حزب کارگر یا فرودست چی هست و آلترناتیوهای داره که اسمش را بذارم حزب طبقه کارگر؟ متأسفانه من خیلی از احزاب حال حاضر موجود رو، حزب طبقه کارگر نمی بینیم، بلکه یک فاصله بسیار زیادی، که ناشی از فاصله زمانی زیاد فعالیت و خارج شدن از ایرانیه یا اینکه این مسئله برای فعالیتی که در درون احزاب هستند مهم نیست. از روزی که الان ۳ساله بیرون آمده ام تا به امروز یکی از فعالین کارگری فولاد بودم با هر اتفاقی که افتاد. و تا به امروز هیچ حزب با تشکلی یا سازمانی زنگ نزده که بدون انتقادات یا چه مشکلاتی آنجا بوده و چه بررسیهایی باید بشه و چه دستاوردهایی بدست آمده. خب وقتی این چنین چیزی رو من دارم میبینم

این حزب یا سازمانها را سازمانهای طبقه خود نمیدونم، بلکه شاید با این تفکر باشم، یا برای آنها مهم نیست، یا بر این باورند که ما سیاهی لشکرهای انقلابیم. باید همه بدانند که امروز ما به آگاهی رسیدیم که اینکه ما قدرت برکناری و قدرت ایجاد یک انقلابیم، ما سیاهی لشکر نیستیم.

این رو به صورت جدی همه سازمانها و همه طرفداران جنبش کارگری باید بنشینند و با خودشان تصفیه حساب بکنند، که ایمان بیاروند به این آگاهی طبقاتی یا ایمان نیاروند. یا اینکه نادیده بگیرند یا اینکه کنار ما بایستند،

من چیزی نمیبینم، از اینکه مثلا این احزاب به شکل منظم یا مشخص، واضحا، برای یک کاری دارند فعالیت میکنند، من چیزی ندیدم و خیلی از این رفقای هم که باهاشون صحبت میکنم، میگن ما بخاطر مسائل امنیتی نمی توانیم بگویم ولی من احساس میکنم، که این شده موضوعی که بتونیم باهاش فرار کنیم. در اول مسیر باید اینو بدونیم که ما نیروهای انقلابی طبقه هستیم یا اینکه ما میخواهیم یک نظامی برکنار بشه و یک دفتری در پایتخت داشته باشیم و اسم حزب مان در بالای درب آن باشد. برای من این نیست، برای من رهایی آیه برای طبقه من هر اتفاقی در آینده بخواد بیافتد برای رهایی خودش. من کنار پرچم سرخ نمی ایستم و فیگور بگیرم. بلکه برای رهایی کنار پرچم سرخ ایستادم. در این نوع خیلی کم دیدم و یا اینکه من خیلی زیاد با احزاب در ارتباط نیستم، و فعالیتهای آنها را من ندیدم، چه در داخل و چه زمانی که اینجا بوده. اما ایمان دارم به ایجاد حزب طبقه کارگر و در آینده این حزب، حزب طبقه کارگره و حزب جامعه فرودسته، چون نهایتا حتی خیلی از احزابی که در همه جای دنیا هستند و طرفدار جنبش کارگری هستند و از طبقه دیگری هستند ما مطمئنیم. خیلی از احزاب در خیلی جاهای دنیا هستند که خرده بورژوازها به صراحت درست کردن، ما میدونیم در انقلابها و در نقطه صفر خرده بورژوا هیچ وقت پسر عموی بورژوازی خودش را نمیزنه، بلکه به خیانت می کنه.

مینو همتی: آنچه مسلم است در این چهل سال، فعالیت مدافعان طبقه کارگر در خارج از کشور بهیچوجه قادر به کسب حمایت لازم از جنبش کارگری و فعالین آن در داخل کشور نبوده است منظورم بطور مثال از نوع سازماندهی "کنگره ملی آفریقا" در جلب حمایت عملی و بین المللی اتحادیه های

کارگران بارانداز در به زانو درآوردن رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی است، بنظر شما این کمبود از چه ناشی میشود و انتظارات واقعی از فعالیت خارج از کشور در این زمینه کدامست؟ درسهای خیزش دیماه برای خیزش بعدی کدامند؟

مهدی توپچی: من میخوام در ادامه حرفهای خانم آشنا، صحبتی در باره زنان و جنبش کارگری بکنم. ببینید اولین مانع و عامل تحمیق زنان در ایران، نهاد مردسالار خانواده است، اولین مرحله تحمیق زن ابتدا به ساکن از درون خانواده مردسالار شروع میشه و با توجه به تحلیل و تنوریهای مارکسیستی که داریم بالاخره تا مرد خانواده، نان آور خانواده است که سرنوشت و تصمیمات این خانواده در دستان اوست، زن بخاطر نداشتن بنیه اقتصادی و عدم مشارکت در سوخت و ساز معیشتی اون خانواده در مرحله پایین تر، اون چیزیه که ما امروز میبینیم، و دوم بخشی مربوط به آموزشی و بخشی مربوط به ناآگاهی به حق و حقوقشان است. و این تنها مربوط به زنان همیشه بلکه مربوط به تک تک شهروندان داخل ایران میشه، به دلیل عدم انسجام کامل و سازماندهی و البته آموزشهایی هم اتفاق نمی افته، در ادامه حرفهای میثم هم در ادامه عدم کژ خوار کردی احزاب این آموزشها درست انتقال داده نمیشه، بعد زن وقتی از این نهاد خانواده رها میشه، بالاخره دانشگاه رفته و در آن سطح از آگاهی هست که در مقابل این مرد سالاری بایسته و میگه من میخوام خودم برم و پول در بیارم و میخوام در سرنوشت خودم سهم باشم، خب در این مورد، وقتی وارد محیط کار میشه، مانع دوم شروع میشه، ببینید همین حداقل دستمزد کارگر در جامعه ایران که هر ساله تصویب میشه که خیلی ناچیزیه و دستکزدی که به زنان تعلق میگیره، اگر بگم نصف خیلی خوش بینانه گفتیم و شامل تهران میشه. اون خانم منشی که ۵ ساعت ۵ صبح با مترو میاد که ۸ صبح در شرکت باشه، با حقوق حداقل دو میلیون حساب کنی، شاید یک میلیون برایش میمونه و این در شهرستان جدا از کارهای طاقت فرسا نری به زنان واگذار میکنند، به مراتب حقوق کمتری بهشون میدن، اون پولی که در شهرستان به یک زن فروشنده یا نطافچی در مشاغل سخت به مراتب کمتره، چون از اون انگیزه زن که زن میخواد به هر قیمتی از زیر یوغ مرد رها بشه و به همین دلیل است که زن را استعمار میکنند مرحله بعدی توی خود جنبش کارگری ما این نقد بهش وارده که در جلسات فضا مردانه است، همانطور که فضای حا کمیت مردانه است و همانطور که فضای مدیریتی و دیگر فضاها مردانه است و همانطور که

و در ائتلاف و تکامل پروسه مبارزاتی خودشون تونستن با احزابی چفت بشن بتوانند این کنگره رو پیگیری کنند و لذا کنگره در خارج کاملا در رابطه با تحرکات داخل بود. من از روزی که اومدم بیرون خیلی از گروهها و احزاب و محافل خارج کشور آمدند و آشنا شدیم و گفتند چکار کنیم؟ و مسائل داخل را میخواستند بدونند چیه؟

که من در جواب گفتم نبضتان را با داخل تنظیم کنید. یعنی هر روز اخبار مختلفی از داخل در تمام میدیها و تلگرام... میاد بیرون و آدم فکر میکنه همه در جریان همه خبرها هستند ولی نه هنوز اون نبضش تنظیم نیست و اون خلاء وجود داره با اینکه خیلی زودتر از داخل خبرهای داخلی را میگیرند و می دانند در هر جایی از کشور چه خبره، اما اون پلتفرم هایی که باید به کار گیرند برای خودشون، استفاده نمیکنند ازش و فاصله نجومی دارند، و من تحرکی نمیبینم، در مورد صندوق معلمان که آقای بدایق هم به درستی به آن اشاره کردند، من از نزدیک شاهد بودم، که مثلا صبح در گروه اعلام میکردند که فلان معلم که زندانه برای وثیقه ۳۰۰ میلیون پول نیاز، میدیدی تا ساعت ۱۲، ۴۰۰ میلیون جمع می‌کردند. و کارکرد صندوق اعتماد به نفس میده و کمک میکنه به زندانیان معلم، چون در زندان جز یک وعده غذای بی کیفیت زندان چیزی نمیدن به آنها، زندانی هزینه دارد در زندان و بعشا هم نان آور خانواده اش است که در زندانه و خانواده هاشون هم در بیرون هزینه دارند. و خیلی از صندوقها هم هستند که دردی از فعالین داخل را درمان نمیکند و بیشتر در مسیرهای محفلی خودشون می رود. مسئله رسانه که میثم هم اشاره کرد یک ضعف ه و خیلی مهمه و در خارج باید برای آن فکری بکنند، و همیشه گفت که ما تو قامت راست نیستیم و همیشه برایش کاری کرد و اینها همون فاصله هاییه که ایجاد میشه و این خلا ها باید پر بشه و من امیدوارم با همین احزاب و با ابزارهای موجود باید کار کنیم و همانطور که برای جنبش تلاش می‌کنیم، برای بهتر کردن این احزاب هم باید تلاش کنیم چون بخشی از جامعه است.

مینو همتی: فرخنده عزیز در این مورد نظر شما چیست؟

فرخنده آشنا: من صحبت کوتاهی بکنم در مورد کمکهای مالی که ما از این طرف، من بخشی از کارم همین بوده که دنبال این کمکهای اتحادی باشم و اعلام اتحادی کنیم با مبارزات ایران و آگه کارگری در ایران دستگیر میشه، اعلامیه بدم و واقعتی هم هست، من عضو هیچ گروه و تشکیلات

فصاهای شهری و فضای فرهنگی مردانه است. متأسفانه تو جنبش و تشکلهای موند بعضا این هست و تابو شکنی نشده حرکت هایی انجام میشه اشاراتی کرد خانم فرخنده که بالاخره تو پشتیبانی از مسائل و در حمایت از مطالبات من بارها خودم دیدیم.

کارگران وقتی به مانعی برای مطالباتشون رسیدند و ادارات پیگیری نکردند همراه با خانواده اش آمده جلوی اونجا چادر میزنه تا فشار بیاره و مطالباتش رو کسب کنه. این اشاره کوچکی از مشکلات بود در حالیکه دریایی از مشکلات وجود دارد که در سطح عمومی جامعه و شهروندان میشه مطرح کرد. اون اصل مبارزه طبقاتی که هیچ جامعه بدون رهایی طبقه کارگر و بدون رهایی زن به اون رهایی مورد نظر نمیرسه، و این کاملا مشخصه و باید سرمشق و الگوی هر نوع مبارزه ای توی این مسیر باشه.

و در مورد احزاب خارج کشور، من یه کم مناقشه دارم با این مثال، چون توی میدیا ها خیلی میبینیم که وقتی حرفی از ایده نو، از یک آلترناتیوهای سطحی صحبت می‌کنیم، بلافاصله دنبال عینیتی که در یک جامعه دیگه رخ داده می‌کردیم که اتفاق افتاده، من با صدای بلند اینو میگم که در جامعه ایران یک جنبشی شکل گرفته و یه جنبشی در حال تحرکه، گفتیم در پیشانی یک جنبش ترقی خواهانه قرار داره، این مثالها برگشت به نوعی تاریخه ولی در مورد همین سواتون جوابم را تشریح میکنم، یه سری مشکلات ما رو میثم اشاره کرد و به سری مشکلات ما از داخل شروع میشه، بیک مثال ساده میزنم من نوعی این مشکلات را در داخل داشتیم، وقتی اومدم بیرون علنا از سمت داخل کات شدم و گویا خط خوردم و خارج از گود محسوب میشم، در حالیکه جریانهای راست اینکار را با فعالینشان نمیکنند، جریانهای راست به قول رفیقی، مهرانگیز کار و شیرین عبادی و امثال نوری زاده ای که سالهاست از ایران خارج شدن و اساسا فیگور خطرناک و اپوزیسیون تمام قد جمهوری اسلامی هم خودشون رو معرفی می کنند، در جریان راست هنوزم جزو فعالین داخل به حساب میارن در داخل ایران و پذیرایی میشه ازشون ولی در احزاب چپ یک نوع دگمی وجود دارد در داخل که همین باعث میشه فاصله ای بین فعالین داخل و احزاب خارج خلایلی ایجاد بشه همانطور که میثم اشاره کرد البته بخشن نه اینکه به قول معروف تمام اونو بندازم گردن داخل، اما در مورد کنگره ملی آفریقا و اتحادیه کارگری یک مورد وجود داره که شبکه سراسری سازماندهی خودشون را انجام دهد

چی می‌خواهد؟ طبقه کارگر باید مطالباتش را مطرح کنه و ببینیم به کدام یک از این مطالباتش مهر می‌زنند، نه اونیه که خمینی زد، نه، ما دیگه اونها را میدونیم. حالا وقتی مطالبه مون را طرح می‌کنیم، ایندفعه بازوی اجرای مطالبه مون تشکل‌های مستقل و توده ای مونه و تشکل‌هایی که می‌خواد آموزش ببینه و جامعه را اداره کنه. ما ثروت برای جامعه تولید می‌کنیم و ما خودمون می‌خوایم تصمیم بگیریم که این ثروتی را که تولید می‌کنیم، کجا باید خرج بشه. الان دیگه بحث سر حقوق نیست، بحث سر ثروت جامعه است که باید بر آن نظارت داشته باشند و بتوانند عادلانه زندگی کنند و در آسایش و رفاه باشند.

مینو همتی: با سپاس از شما عزیزان که دعوت ما را پذیرفتید و نظراتتان را با بینندگان ما سهیم شدید. به امید ادامه این مباحث مهم در برنامه های آتی

با سپاس فراوان از مرضیه آدمی برای پیاده کردن متن این مناظره

برای همچین چیزی، یکبارہ چند تا از شهرها بازنشسته‌ها اعتراض می‌کنند و همزمان معلمان اعتراض می‌کنند و از حقوق معوقه و قرارداد سفید می‌رسند به شعارهایی که مسئله اصلی آنهاست که ما دیگه رای نمیدهیم از بس دروغ شنیدیم این مسئله مهمیه و این برمیگرده به همه جامعه. ما یه چیزی را کم داریم و اون ستاد رهبری کننده است، تظاهراتهای وسیعی صورت میگیره و سازماندهی های منطقه ایی داره صورت میگیره، انسان‌های شریفی تو جامعه دارند رو میان و مردم مدافعان شون را دارند می‌شناسند.

ببینید در این شرایط چه آلت‌رناتیو‌هایی را برامون مطرح میکنند؟ کسانی که تا دیروز طبقه کارگر را سرکوب می‌کردند، امروز وقتی می‌بینند که طبقه کارگر می‌خواهد در تغییر جامعه ایران تعیین کننده باشه، دم از "مدافع کارگران" می‌زنن و میگن که کارگران بیچاره‌ها ندارن، خب خودتون بیچاره شون کردید.

الان موقعیت مهمیه و مردم اومدن توی خیابون‌ها ولی نمی‌توانند زیاد بمانند در خیابان‌ها، باید سازماندهی بشه و بدونه که

ایرانی نیستم ولی اینجا اتحادیه های کارگری وابسته به احزابی هستن که توی پارلمان هست یعنی ال او در اینجا وابسته به سوسیال دموکرات‌ها ست، و سیاستهای درش حاکم هستش، ما یک جاهایی میتونیم بهشون فشار بیاوریم که اطلاعیه بدن و .. ولی می‌خواهیم که خودمون یک سری اطلاعات را بهشون بدیم و می‌خوایم به چیزهای رادیکالتری را پیش ببریم، خب ما رو اونجا راه نمیدن، از ما اطلاعات میگیرند، چون میدونند. ما بهر حال ما رو نبض ایران هستیم و اطلاعات درستی داریم ولی وقتی میرسید اونجا که باید آنها محکوم کنند یا هیئتی را بفرستید ایران که ما ببینیم تحقیقات چطور پیش میره و به آدم‌هایی را معرفی کنیم که آنها برن و با آنها صحبت بکنند، اینجور موقعها استاب میزنند، چون باید برن با جمهوری اسلامی حرف بزنند. ما بیشتر تکیه مون روی اینه البته با چند نفر از رفیق‌مون با تشکل‌های رادیکال جامعه تماس بگیریم، با احزاب خارج از پارلمان که آزادی‌هایی را دارند و رادیکال تر هستند و نگاههای سوسیالیستی دارند نسبت به مبارزه و افکار عمومی را آگاه کنیم نسبت به اونیه که در ایران میگذره که بتونه یه همبستگی طبقاتی ایجاد بشه با جامعه ایران، کما اینکه اینجا هر مسئله ای که در ایران بوجود میاد، وزیر امور خارجه اینجا مخفیانه میره سفارت ایران که مراسم چهلمین سالگرد جمهوری اسلامی را بهشون تبریک بگه. که کلی اعتراض میشه و میدونند و اطلاعاتی دارند در مورد سرکوب زن‌ها، بالاخره میرسه به جایی که ما مجبوریم برگردیم به جایی که منافع ما با اون گره خورده و اونجا حرکت بکنیم، مانیتورینگ دولت اینجا که حدو حدودی دارد برای هر چیزی میگذارد، مثلا اتحادیه اینجا وقتی بحرانی اقتصادی پیش میاد میرن با کارفرما به یه توافقی می‌رسند که ساعت کاریشان کم نشه ولی کمی حقوقشان کم بشه بخاطر بحران اقتصادی که پیش اومده و از اون طرف دولت کلی وام میدن به بانک‌ها، و اتحادیه اعتراض نمیکنه که چرا بانک‌ها وام میگیرند، در حالیکه ساعت کم‌نشه و حقوق هم نباید کم بشه و حقوقی که به مهاجران می‌دهند کمه به بهانه اینکه زبانشون خوب نیست و یا آموزش ندیدن و کار را خوب بلد نیستند، خب بذارید دوره را ببینه و مانند یک سوئدی حقوق بدید هر جایی که بری سرمایه داریه و ما دائم با اینها درگیر هستیم، و از اون طرف هم ببینیم توی ایران حرکت‌های خوبی داره صورت میگیره، مهمترین مسئله ای که میتونم با خوشحالی بیانش کنم اینه که کلا اعتراضات شکل سراسری و همزمانی به خودش میگیره که این بسیار مهمه و باید امید و روحیه داشته باشیم



مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهائی زن را می توانید از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه ها، تلویزیون و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv>

تلگرام رهایی زن

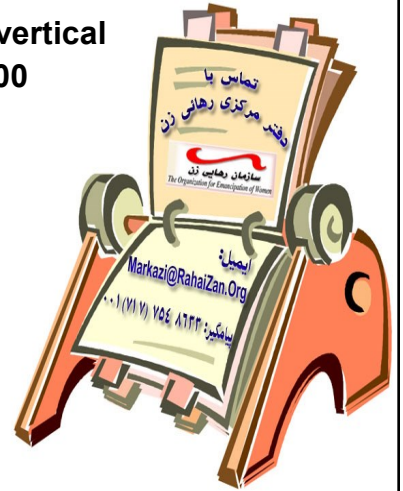
@rahaizan

تلویزیون رهائی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته دوشنبه ساعت 20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به وقت تهران می توانید بیننده

تلویزیون رهائی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd
HoT BIRD
Frequency 11541 vertical
Symbol Rate: 22000
Pol V
FEC 5.6



برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهائی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: motiei_rojan@yahoo.com

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: firouzeh.farrahi@yahoo.com

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: MinoHemati@GMail.com

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 00491737237038

ایمیل: shararehzaei.p@gmail.com

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: sara_tina2003@yahoo.com